

سوال کننده : شاهين مقيم

توضیح سؤال :

روایت فوق در کتاب های اهل سنت از جمله کتاب « فضائل الصحابه » احمد بن حنبل به عنوان مؤیدی در مشروعیت خلافت ابوبکر ذکر گردیده ؛ به این مفهوم که امیر المومنین علي بن ابي طالب علیهما السلام فرموده اند : « کسی نزد من قائل به افضلیت من بر ابوبکر و عمر نشد مگر این که حد افتراء بر او جاری نمودم . »

پاسخ اجمالی :

- 1 . حدیث فوق از حیث سندی مشکل دارد .
- 2 - بسیاری از صحابه و تابعین قائل به افضلیت حضرت علي علیه السلام بودند .
- 3 - اعتراف ابوبکر بر عدم افضلیت خویش .
- 4 - تصریحات حضرت علي علیه السلام بر افضلیت خویش .
- 5 - این حکم در حق هیچ کس اجرا نشده .
- 6 . تصریح رسول اکرم صلي الله عليه وآله بر افضلیت حضرت علي علیه السلام :

پاسخ تفصیلی :

1 . ضعف سند حدیث

احمد بن حنبل در کتاب فضائل الصحابه این روایت را این چنین نقل کرده است:

حدثنا عبد الله ، قال : حدثني هدية بن عبد الوهاب ، قال : ثنا أحمد ابن إدريس ، قال : ثنا محمد بن طلحة ، عن أبي عبيدة بن الحكم ، عن الحكم بن جمل ، قال : سمعت عليا يقول : لا يفضلني أحد علي أبي بكر وعمر إلا جلدته حد المفتري .
حكم بن جمل مي گوید : از علي (عليه السلام) شنیدم که مي گفت : هیچ کسی نزد من قائل به فضیلت من بر ابوبکر و عمر نشد ؛ مگر آن که حد افتراء بر او جاری نمودم .
آنگاه پس از ذکر سلسله سند آورده است :

وهو من زيادات عبد الله بن أحمد .

این روایت از ساخته های عبد الله بن احمد است .

محقق کتاب فوق « فضائل الصحابه » در حاشیه آن گفته است :

إسناده ضعيف لأجل أبي عبيدة بن الحكم ومحمد بن طلحة لم يتبين لي من هو ؟

سند این روایت به خاطر ابي عبد الله بن احمد ضعيف است و برای من مشخص نشد محمد بن طلحه چه کسی است ؟

فضائل الصحابة ، ج 1 ، ص 83 ، رقم 49 ، 1/294 رقم 387 ، بتحقيق د. وصي الله محمد عباس . ط . مؤسسة الرسالة - بيروت .

عقيلي در كتاب الضعفا بعد از نقل اين روايت، در رابطه با محمد بن طلحة كه در سند قرار گرفته ، مي نويسد:

وضَّعَهُ يَحْيَى، وروي عن عبد الله بن أحمد قال سمعت يحيى بن معين يقول: كان يقال: ثلاثة يتقي حديثهم، محمد بن طلحة وايوب بن عتبة وفليح.

يحيى ، محمد بن طلحة را از ضعفاء شمرده است و از عبدالله بن احمد روايت شده است كه همواره مي گفت : سه نفرند كه بايد از حديثشان پرهيز شود ، محمد بن طلحة و ايوب بن عتبة و فليح بن سليمان .

ضعفاء العقيلي ، ج 1 ص 108 و ج 4 ، ص 85 ، و رجوع شود به: تهذيب الكمال ، مزي ، ج 25 ، ص 420 و سير اعلام النبلاء ، ج 7 ، 353 و ميزان الاعتدال ، ج 3 ، ص 365 . و الجرح و التعديل ، الرازي ، ج 7 ص 292 و الكامل ، عبدالله بن عدي ، ج 6 ص 236 و...

2 - بسياري از صحابه و تابعين قائل به افضليت حضرت علي عليه السلام بودند :

ترمذي متوفاي 279 هـ با اسناد خود از عايشه روايت کرده است :

روي الترمذي، بإسناده عن جميع بن عمير قال: دخلت مع عمّتي علي عائشة فسألت: أيّ الناس كان أحبّ إلي رسول الله صلي الله عليه وسلّم؟ قالت: فاطمة، فقيل: من الرجال؟ قالت: زوجها....

جميع بن عمير مي گوید : همراه عمه ام ، عايشه را ملاقات نمودم و از او سؤال کردم : محبوب ترين اشخاص در نزد رسول خدا صلي الله عليه وآله وسلم چه کسي است ؟ عايشه در پاسخ گفت : محبوب ترين زنها در نزد او فاطمه [سلام الله عليها] و از مردان شوهرش [حضرت] علي [عليه السلام]

ترمذي بعد از نقل حديث مي گوید :

هذا حديث حسن غريب .

اين حديثي است حسن و عجيب .

سنن الترمذي، ج 5، ص 362 و المستدرک ، حاکم نيشابوري متوفاي 405 هـ ، ج 3، ص 157. الاستيعاب ، ابن عبد البر، متوفاي 462 هـ ، ج 4، ص 1897.

ذهبي مي گوید :

ليس تفضيل علي برفض ولا هو ببدعة ، بل قد ذهب إليه خلق من الصحابة والتابعين.

افضل دانستن (حضرت) علي (عليه السلام) نه رفض است و نه بدعت ، بلکه گروهی از صحابه و تابعين بر اين عقیده هستند .

سير اعلام النبلاء ، ج 16 ص 457 .

ابن عبد البر از علماء بزرگ أهل سنت در كتاب الاستيعاب كه از معتبرترین كتاب هاي رجالي است نقل کرده :

وروي عن سلمان ، وأبي ذر ، والمقداد ، وخباب ، وجابر ، وأبي سعيد الخدري ، وزيد بن أرقم : أنّ علي بن أبي طالب - رضي الله عنه - أول من أسلم ، وفضله هؤلاء علي غيره.

از سلمان و ابوذر و مقداد و خباب و جابر و ابو سعيد خدري و زيد بن ارقم روايت شده است كه : علي ابن ابي طالب (عليهما السلام) اولين كسي بود كه اسلام آورد . و آن گروه (صحابه اي كه اسمشان در بالا آمد) او (حضرت علي عليه السلام) را بر ديگران افضل و برتر مي دانستند .

الإستيعاب في معرفة الأصحاب ، ج 3 ، 1090 .

ابن حزم در کتابش «الفصل» می گوید :

اختلف المسلمون في من هو أفضل الناس بعد الأنبياء ، فذهب بعض أهل السنة وبعض المعتزلة وبعض المرجئة وجميع الشيعة : إلي أن أفضل الأمة بعد رسول الله صلي الله عليه وسلم : علي بن أبي طالب - رضي الله عنه - . وقد روينا هذا القول نفا عن بعض الصحابة - رضي الله عنهم - وعن جماعة من التابعين والفقهاء .

در این که بعد از انبیاء بهترین مردم چه کسی است بین مسلمین اختلاف نظر وجود دارد ، بعضی از معتزله و بعضی از مرجئه و تمامی شیعیان بر این اعتقادند که افضل امت بعد از رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم (حضرت) علی (علیه السلام) می باشد . و ما این روایت را به عنوان نصّ از بعضی صحابه و گروهی از تابعین و فقها نقل نمودیم .
الفصل في الملل والنحل ، ج 4 ، ص 181 .

ابن جوزی در مناقب أحمد از قول پسر أحمد بن حنبل این چنین نقل کرده :

عبد الله بن أحمد بن حنبل يقول : حدثت أبي بحديث سفينة فقلت . . ما تقول في التفضيل ؟ قال : في الخلافة أبو بكر وعمر وعثمان ، فقلت : فعلي؟ قال: عليّ من أهل بيت لا يقاس بهم أحد .

عبدالله فرزند احمد بن حنبل می گوید : برای پدرم حدیث « سفینه » را نقل کردم و از او سؤال کردم : نظرت راجع به فضیلت اصحاب بعد از پیامبر چیست ؟ او گفت : در رابطه با خلافت در مرحله اول ، فضیلت با ابوبکر و بعد از او با عمر و بعد با عثمان است ؛ گفتم : پس [حضرت] علی [علیه السلام] چه می شود ؟ گفت : [حضرت] علی [علیه السلام] که از اهل بیت محسوب شده و هیچ کس را تاب مقایسه با آنها (اهل بیت علیهم السلام) نیست .
مناقب الامام أحمد لابن الجوزي ص 163 .

3 - اعتراف ابوبکر بر عدم افضلیت خویش :

محدثان اهل سنت از قول ابوبکر نقل کرده اند که گفته است :

وَلَيْتَكُمْ وَ لَسْتُ بِخَيْرِكُمْ .

رهبری شما را پذیرفتم در حالی که بهترین شما نبودم .

طبقات ابن سعد ، ج 3 ، ص 182 و تأویل مختلف الحدیث ، لابن قتیبة المتوفی 276 ، ص 109 ط . دار الجیل - بیروت بتحقیق محمد زهري النجار و تاریخ مدینة دمشق ، ج 30 ، ص 304 و تخريج الأحادیث والآثار للزیعلی المتوفی 762 ، ط . دار ابن خزيمة الرياض وغریب الحدیث للخطابی ، المتوفی 388 ط . جامعة أم القرى بتحقیق عبد الکریم العزباوی ، تفسیر القرطبی ، ج 3 ، ص 262 و غریب الحدیث ، ج 2 ، ص 35 و الإمامة والسیاسة ، ص 22 و العقد الفرید ، ج 5 ص 13 و السقیفة وفدک ، للجوهري ، ص 52 و المعیار والموازنة ، لأجعفر الإسکافي ، ص 39 و شرح نهج البلاغه ، ابن أبي الحديد ، ج 1 ، ص 169 و ج 2 ، ص 56 و کنز العمال ، ج 5 ص 636 و البداية والنهاية ، ابن کثیر ، ج 5 ، ص 269 .

و در روایت دیگری گفته است :

أقولوني ولست بخيركم .

من را رها کنید (به سراغ شخص بهتر از من بروید) که من بهترین افراد ، بین شما نیستم .

مجمع الزوائد ، ج 5 ، ص 183 و سيرة ابن هشام ، ج 2 ، ص 661 و تاريخ الخلفاء ، ص 71 و شرح النهج للمعتزلي ، ج 1 ص 169 و تفسیر القرطبی ، ج 1 ص 272 و السير الكبير للشيباني ، ج 1 ص 36 و الإمامة والسیاسة ، ج 1 ص 31 و المعیار والموازنة للإسکافي ، ص 39 و المعجم الأوسط للطبراني ، ج 7 ، ص 267 و کنز العمال ، ج 5 ، ص 631 .

و اگر بگویند که ابوبکر این سخن را از روی تواضع گفته است باید گفت : در جائی که از چنین سخنی موجبات اشتباه و سر در گمی افراد را باعث شود دیگر تواضع معنی ندارد .

4 - تصریحات حضرت علي عليه السلام بر افضلیت خویش :

ابن ابی الحدید معتزلی نقل می کند :

وقال عثمان لعلي عليه السلام إنك إن تربصت بي فقد تربصت بمن هو خير مني ومنك، قال: ومن هو خير مني؟ قال: أبو بكر وعمر.

فقال: كذبت، أنا خير منك ومنهما، عبادت الله قبلكم وعبادته بعدكم.

عثمان به (حضرت) علي (عليه السلام) عرض نمود : اگر تو انتظار مرا می کشیدی من نیز انتظار کسی بهتر از تو را می کشیدم ؟ حضرت فرمود : و چه کسی بهتر از من ؟ عثمان گفت : ابوبکر و عمر .

حضرت فرمود : دروغ گفתי ، من از تو و از هر آن دو نفر (ابوبکر و عمر) بهترم چرا که من خدا را قبل و بعد از شماها عبادت نموده ام .

شرح نهج البلاغه معتزلی ، ج 10 ، جزء 20 ، ص 25 ، احتجاج طبرسی ، ج 1 ص 229 و مناقب ابن شهر آشوب ، ج 1 ، ص 289 و المسترشد طبري ، ص 227 و الفصول المختارة ، شيخ مفيد ، ص 261.

5 - این حکم در حق هیچ کس اجرا نشده :

اگر چنانچه این روایت صحیح است چرا حضرت امیر علیه السلام در حق کسی این حکم را جاری نفرموده ؟ و حال آنکه تمامی اهل بیت (علیهم السلام) و بسیاری از صحابه و تابعین قائل به افضلیت آن حضرت بر أبو بکر و عمر بودند .

و اولین کسی که افضلیت علي را بر دیگران مطرح کرد پیامبر گرامی بود و در صورت صحت حدیث یاد شده (نستجیر بالله) چنین حکمی باید بر رسول خدا جاری می شد .

6 . تصریح رسول اکرم صلي الله عليه وآله بر افضلیت حضرت علي عليه السلام :

اگر این حدیث صحیح می بود ، لازم بود که (نستجیر بالله) بر رسول خدا صلي الله عليه وآله وسلم چنین حکمی جاری می شد چرا که آن حضرت همیشه و در همه مواقع حضرت علي عليه السلام را بر دیگران ترجیح می داد مثل آنچه که در واقعه مباحله اتفاق افتاد :

در صحیح مسلم و بسیاری از کتاب های معتبر اهل سنت آمده است :

ولما نزلت هذه الآية : (فقل تعالوا ندع أبناءنا وأبنائكم) دعا رسول الله ص علياً وفاطمة وحسناً وحسيناً فقال : اللهم هؤلاء أهلي.

و چون این آیه نازل شد (فقل تعالوا ندع أبناءنا وأبنائكم) رسول خدا صلي الله عليه وآله وسلم علي و فاطمه و حسن و حسين را فرا خواند و گفت : خدایا ! این ها اهل من هستند .

صحیح مسلم ، ج 7 ، ص 120 ، ج 6373 ، و ج 5 ، ص 23 ، ج 32 و کتاب فضائل الصحابة ، باب فضائل علي ، مسند أحمد ، ج 1 ، ص 185 و صحیح ترمذی ، ج 5 ، ص 596 و المستدرک علي الصحيحین ، ج 3 ، ص 150 و فتح الباری ، ج 7 ، ص 60 و تفسیر الطبري ، ج 3 ص 212 و الدر المنثور ، ج 2 ، ص 38 و الكامل في التاريخ ، ج 2 ، ص 293 .

زمخشری در ذیل این آیه آورده است :

وفيه دليل لا شئ أقوى منه علي فضل أصحاب الكساء عليهم السلام.

و در این آیه قوی ترین دلیل بر افضلیت اصحاب کساء است و دلیلی قوی تر از این وجود ندارد .

الکشاف، ج 1، ص 370 .

و بسیاری از موارد دیگر که ذکر آن به طول می انجامد همچون :

الف : عقد اخوت بین خود و آن حضرت .

ب : بستن تمام درهای منتهی به مسجد النبی مگر درب خانه امیرالمومنین علیه السلام .

ج : تشخیص او به عنوان هم کفو دخترش حضرت زهرا (سلام الله علیها) در حالی که بسیاری از بزرگان صحابه از خواستگاران او بودند .

د : تعیین او به عنوان خلیفه و جانشین خود .

و : حضرت بارها فرموده بودند : هر که علی را دوست بدارد خدا و رسول او را دوست داشته و خدا و رسول نیز او را دوست می دارند .

ز : علی علیه السلام را نسبت به خود به منزله هارون نسبت به موسی قرار داده بودند .

ح : سلم با او را سلم با خود و حرب با او را حرب با خود قرار داده بودند .